

۲۵
۲۰۴۶
۷۱۲۴
۹۸

**الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از توان
تولیدی و خدماتی داخلی کشور در پروژه‌های بالادستی**

صنعت نفت و گاز

تألیف

دکتر سید نصرانه ابراهیمی

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

دکتر سعیده قاسمی

مدرس دانشگاه

www.ketab.ir



شماره مسلسل ۱۰۰۱۵

شماره انتشار ۴۰۸۰

انتشارات دانشگاه تهران

Ebrahimi, Seyed Nasrolla

ابراهیمی، سید نصراله، ۱۳۴۴ -

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از توان تولیدی و خدماتی
داخلی کشور در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز / تألیف سید نصراله
ابراهیمی، سعیده قاسمی.

تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۸.

۳۷۸ ص.

انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۰۸۰.

978-964-03-7364-4

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

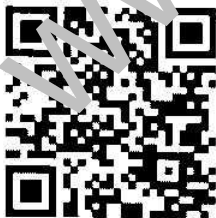
۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

۳۷۸ ص.

۴۰۸۰

۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۷۳۶۴-۴

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفین است. کتاب به هر روش اعم از فتوکپی،
ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در ویلر، اس. دی. تی‌ها، جله‌ها و کتاب، بدون اجازه
کتابی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق ناشر محفوظ است.



عنوان: الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از توان تولیدی و خدماتی

داخلی کشور در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز

تألیف: دکتر سید نصراله ابراهیمی - دکتر سعیده قاسمی

ویرایش ادبی: فاطمه شیخلو

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

بها: ۴۶۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

اهداء.....	ز.....
پیشگفتار.....	ش.....
مقدمه.....	ض.....
بخش اول: مفاهیم، مبانی، ساختار و نگاه کلی به چالش‌های الزامات توان داخل در بخش	
بالاترین صنعت نفت و گاز.....	۱.....
فصل اول: مفاهیم، مبانی، ساختار الزامات توان داخل در بخش بالاترین صنعت نفت و گاز.....	۳.....
مبحث اول: مفاهیم، مبانی، ارتباط مرتبط با توان داخل.....	۵.....
گفتار اول: مفهوم توان.....	۱۱.....
بند اول: نیروی انسانی.....	۱۱.....
بند دوم: کالا و تجهیزات.....	۱۳.....
بند سوم: خدمات.....	۱۴.....
گفتار دوم: مفهوم داخل.....	۱۸.....
بند اول: معیار قلمرو سرزمینی.....	۱۹.....
بند دوم: معیار مالکیت.....	۲۰.....
بند سوم: معیار ثبت.....	۲۳.....
بند چهارم: معیار بومی.....	۲۵.....
بند پنجم: معیار مختلط.....	۲۷.....
گفتار سوم: مفهوم پروژه یا طرح بالاترین صنعت نفت و گاز.....	۲۸.....
بند اول: اکتشاف.....	۳۰.....
بند دوم: توصیف.....	۳۲.....
بند سوم: توسعه.....	۳۴.....
بند چهارم: تولید.....	۳۵.....
بند پنجم: برچیدن تأسیسات.....	۳۷.....
گفتار چهارم: مفهوم هزینه پروژه‌های بالاترین صنعت نفت و گاز.....	۳۹.....

- بند اول: هزینه‌های سرمایه‌ای ۴۰
 بند دوم: هزینه‌های غیرسرمایه‌ای ۴۲
 بند سوم: هزینه‌های بهره‌برداری ۴۳
 بند چهارم: هزینه‌های تأمین مالی ۴۵

مبحث دوم: اهداف، مبانی نظری و ساختار الزامات توان داخل ۴۹

- گفتار اول: اهداف الزامات توان داخل ۴۹
 بند اول: ایجاد اشتغال ۵۰
 بند دوم: انتقال فناوری‌ها، جدید ۵۱
 بند سوم: تقویت زیرساخت‌های کشور میزبان ۵۲
 بند چهارم: ارتقای توان حل مسئله، رقابت در سطح بین‌المللی ۵۲
 گفتار دوم: مبانی نظری الزامات توان داخل ۵۴
 بند اول: نظریه صنعت نوپا ۵۴
 بند دوم: نظریه قدرت بازار ۵۵
 بند سوم: نظریه آثار اجتماعی ۵۶
 بند چهارم: نظریه توازن سیاسی ۵۸
 بند پنجم: نظریه بخش‌های راهبردی ۵۸
 گفتار سوم: ساختار الزامات توان داخل ۵۹
 بند اول: اشکال مختلف الزامات توان داخل ۶۰
 بند دوم: قالب‌های اعمال الزامات توان داخل ۶۳
 بند سوم: روش‌های توسعه توان داخل ۶۷
 گفتار چهارم: مزایا و معایب الزامات توان داخل ۷۰
 بند اول: مزایای به‌کارگیری الزامات توان داخل ۷۱
 بند دوم: معایب به‌کارگیری الزامات توان داخل ۷۱

فصل دوم: نگاه کلی به الزامات توان داخل از بعد بین‌المللی و داخلی و چالش‌های آن ۷۵

- مبحث اول: رویکرد بین‌المللی نسبت به الزامات توان داخل ۷۷
 گفتار اول: رویکرد سازمان تجارت جهانی ۷۸
 بند اول: موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۷۹

- بند دوم: موافقت‌نامه ترتیبات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (تربیمز)..... ۸۲
- بند سوم: موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)..... ۸۴
- بند چهارم: موافقت‌نامه معاملات دولتی..... ۸۵
- بند پنجم: موافقت‌نامه بارانه و اقدامات جبرانی..... ۸۷
- گفتار دوم: رویکرد سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی آن..... ۸۸
- بند اول: کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل..... ۸۸
- بند دوم: گروه بانک جهانی..... ۹۰
- بند سوم: صندوق بین‌المللی پول..... ۹۱
- گفتار سوم: موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای، چندجانبه و دوجانبه سرمایه‌گذاری..... ۹۲
- بند اول: موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای..... ۹۲
- بند دوم: موافقت‌نامه‌های چندجانبه سرمایه‌گذاری..... ۹۵
- بند سوم: موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری..... ۹۷

مبحث دوم: رویکرد داخلی به چالش‌های الزامات توان داخل (نظریه تفصل)..... ۹۹

- گفتار اول: چالش‌ها و موانع فنی - تدوین یک با رویکرد نظریه تفصل..... ۱۰۰
- بند اول: عدم اتخاذ راهکار مؤثر در انتقال نیروی انسانی و بومی‌سازی آن..... ۱۰۰
- بند دوم: عدم صلاحیت و آشنایی مسئولان مربوطه با جنبه‌های فنی و کاربردی فناوری..... ۱۰۱
- بند سوم: عدم ارتباط مؤثر بخش دولتی و خصوصاً در برنامه‌های تحقیقاتی..... ۱۰۱
- بند چهارم: عدم تخصیص سهم بازار..... ۱۰۱
- بند پنجم: نبود ارتباط مؤثر بین شرکت‌های داخلی و شرکت‌های صاحب فناوری..... ۱۰۲
- بند ششم: ضعف فناوری و کاهش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات با شرکاء..... ۱۰۲
- بند هفتم: عدم توانمندی شرکت‌های داخلی و نبود تشریک مساعی..... ۱۰۲
- بند هشتم: عدم شناخت ظرفیت و پتانسیل‌های توان داخل..... ۱۰۳
- بند نهم: کیفیت پایین خدمات و تولیدات شرکت‌های داخلی..... ۱۰۳
- بند دهم: عدم دریافت استانداردهای بین‌المللی و نبود شبکه آزمایشگاهی مرجع..... ۱۰۴
- بند یازدهم: نبود دانش و مهارت در نیروی انسانی..... ۱۰۵
- گفتار دوم: چالش‌ها و موانع مالی، اقتصادی، بازرگانی و مالی با رویکرد نظریه تفصل..... ۱۰۵
- بند اول: عدم قدرت تأمین مالی پروژه توسط شرکت‌های داخلی..... ۱۰۶
- بند دوم: عدم حمایت مالی و اقتصادی از تولیدکنندگان داخلی..... ۱۰۶

- بند سوم: بالا بودن نرخ سود بانکی ۱۰۷
- بند چهارم: پوشش بیمه‌ای پروژه‌ها ۱۰۸
- بند پنجم: کم‌توجهی به تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها ۱۰۸
- بند ششم: ماهیت دولتی نهادهای تأمین مالی و عدم ریسک‌پذیری آنها ۱۰۸
- بند هفتم: عدم کارایی صندوق‌های ارائه‌کننده تسهیلات ۱۰۹
- بند هشتم: بدهی دولت به شرکت‌های داخلی ۱۰۹
- بند نهم: بالا بردن تورم و افزایش نرخ ارز ۱۱۰
- بند دهم: نبود سازکار مناسب جهت صدور تضامین ۱۱۰
- بند یازدهم: بیات استخدام کارشناس خارجی ۱۱۱
- بند دوازدهم: داسپین کالا، ابزار تجهیزات خارجی ۱۱۱
- بند سیزدهم: عدم تناسب قیمت کالاهای ساخت داخل و خارج ۱۱۲
- گفتار سوم: چالش‌ها و موانع قانونی - قراردادی با رویکرد نظریه تفصل ۱۱۲
- بند اول: عدم اولویت‌بندی صنایع تولیدی - قوانین و مقررات ۱۱۲
- بند دوم: مشارکت نداشتن دولت در رویه قانون حداکثر ۱۱۳
- بند سوم: نبود سازوکار مناسب جهت نظارت بر اجرای قانون ۱۱۳
- بند چهارم: توجه نکردن قانون به امکان تبادلات مالی ۱۱۳
- بند پنجم: بی‌توجهی قانون به شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۱۴
- بند ششم: عدم الزام به مشارکت شرکت‌های ایرانی با شرکت خارجی ۱۱۴
- بند هفتم: تناسب نداشتن قوانین و مقررات امور مالیاتی ۱۱۵
- بند هشتم: تناسب نداشتن قوانین و مقررات امور گمرکی ۱۱۵
- بند نهم: عدم شرایط یکسان در قراردادهای ۱۱۶
- گفتار چهارم: چالش‌ها و موانع محیطی (فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) با رویکرد نظریه تفصل ۱۱۶
- بند اول: ناآشنایی مسئولان با مسائل اجرایی و استفاده نکردن از تجربه‌های موفق سایر صنایع ۱۱۷
- بند دوم: نبود نگاه کلان و درازمدت به مقوله توان داخل ۱۱۷
- بند سوم: نبود فرهنگ مقاومتی ۱۱۸
- بند چهارم: بی‌توجهی به نقش دولت در ارتقای توان ساخت داخل ۱۱۸
- بند پنجم: بی‌اعتمادی مدیران به کالاهای ساخت داخل ۱۱۹
- بند ششم: ترویج رانت اطلاعاتی و فساد ۱۲۰
- بند هفتم: جذابیت تعامل با خارجی‌ها ۱۲۱

بند هشتم: وجود تحریم‌ها و تأثیر آن بر عملکرد مسئولان دولتی - سازندگان داخلی..... ۱۲۱

بخش دوم: جنبه‌های قانونی الزامات توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز..... ۱۲۳

فصل اول: سیر الزامات توان داخل در قوانین و مقررات ایران، مخاطبان الزامات قانونی و

انواع آن..... ۱۲۵

مبحث اول: سیر الزامات توان داخل در قوانین و مقررات ایران..... ۱۲۷

گفتار اول: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات مصوب قبل از انقلاب..... ۱۲۸

بند اول: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات خاص صنعت نفت و گاز..... ۱۲۸

بند دوم: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات مرتبط با کلیه صنایع..... ۱۳۱

گفتار دوم: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات مصوب پس از انقلاب..... ۱۳۲

بند اول: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات مرتبط با کلیه صنایع..... ۱۳۲

بند دوم: الزامات توان داخل در قوانین و مقررات خاص صنعت نفت و گاز..... ۱۴۱

مبحث دوم: مخاطبان قانونی الزامات توان داخل..... ۱۴۵

گفتار اول: مخاطبان اولیه الزامات توان داخل..... ۱۴۶

بند اول: مخاطبان با ماهیت عمومی..... ۱۴۶

بند دوم: مخاطبان با ماهیت خصوصی..... ۱۴۸

گفتار دوم: مخاطبان ثانویه الزامات توان داخل..... ۱۴۸

بند اول: مخاطبان با ماهیت عمومی..... ۱۴۸

بند دوم: مخاطبان با ماهیت خصوصی..... ۱۵۳

مبحث سوم: الزامات توان داخل در ارجاع و انجام پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز..... ۱۵۷

گفتار اول: الزامات توان داخل در ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۵۸

بند اول: برگزاری مناقصه در ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۵۹

بند دوم: عدم برگزاری مناقصه در ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۷۲

گفتار دوم: الزامات توان داخل در انجام پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۷۶

بند اول: استخدام اتباع داخلی در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۷۸

بند دوم: توان داخل در زنجیره تأمین پروژه‌های بالادستی نفت و گاز..... ۱۸۲

گفتار سوم: مطلق یا مقید بودن الزامات توان داخل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز و استثنائات آن..... ۱۸۹

بند اول: استثنائات وارد بر ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۱۹۰
بند دوم: استثنائات وارد بر انجام پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۱۹۱
گفتار چهارم: الزام به توسعه توان داخل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۱۹۴
بند اول: آموزش.....	۱۹۴
بند دوم: انتقال فناوری.....	۱۹۶
بند سوم: فعالیت‌های تحقیق و توسعه.....	۱۹۷
بند چهارم: ترتیبات مشارکت.....	۱۹۹

فصل دوم: نظارت قانونی بر الزامات توان داخل و معیارهای کمی‌سازی آن در پروژه‌های

بالادستی نفت و گاز.....	۲۰۱
مبحث اول: نظارت قانونی بر الزامات توان داخل و ضمانت اجرای عدم رعایت آن در پروژه‌های	
بالادستی نفت و گاز.....	۲۰۳
گفتار اول: نظارت قانونی بر الزامات توان داخل.....	۲۰۳
بند اول: نظارت قانونی در مرحله ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۲۰۴
بند دوم: نظارت قانونی در مرحله انجام پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۲۱۱
گفتار دوم: ضمانت اجرای قانونی عدم رعایت الزامات توان داخل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۲۱۶
بند اول: ضمانت اجرای قانونی عدم رعایت الزامات توان داخل در ارجاع پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۲۱۸
بند دوم: ضمانت اجرای قانونی عدم رعایت الزامات توان داخل در انجام پروژه‌های بالادستی نفت و گاز.....	۲۲۱

مبحث دوم: معیارهای قانونی اندازه‌گیری و کمی‌سازی الزامات توان داخل در پروژه‌های

بالادستی نفت و گاز.....	۲۲۵
گفتار اول: معیارهای قانونی اندازه‌گیری و کمی‌سازی توان داخل استفاده‌شده.....	۲۲۶
بند اول: معیار قانونی کمی‌سازی توان داخل در نیروی انسانی.....	۲۲۷
بند دوم: معیار قانونی کمی‌سازی توان داخل در زنجیره تأمین.....	۲۳۱
گفتار دوم: معیار قانونی کمی‌سازی توسعه توان داخل.....	۲۳۷

بخش سوم: جنبه‌های قراردادی الزامات توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز.....

فصل اول: سیر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران، مخاطبان

الزامات قراردادی و انواع آن.....	۲۴۳
----------------------------------	-----

۲۴۵	مبحث اول: سیر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران
۲۴۵	گفتار اول: قراردادهای امتیاز
۲۴۵	بند اول: نسل اول قراردادهای امتیاز
۲۴۶	بند دوم: نسل دوم قراردادهای امتیاز
۲۵۱	گفتار دوم: قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵۱	بند اول: نسل اول قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵۲	بند دوم: نسل دوم قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵۳	بند سوم: نسل سوم قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵۴	بند چهارم: نسل چهارم قراردادهای مشارکت در تولید
۲۵۵	گفتار سوم: قراردادهای خدمت
۲۵۶	بند اول: نسل اول قراردادهای خدمت
۲۵۶	بند دوم: نسل دوم قراردادهای خدمت
۲۵۷	بند سوم: نسل‌های اول (اسم بیع متقابل)
۲۵۸	بند چهارم: قراردادهای جدید نفتی ایران
۲۵۹	مبحث دوم: مخاطبان الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۵۹	گفتار اول: مخاطبان اولیه الزامات توان داخل
۲۶۰	گفتار دوم: مخاطبان ثانویه الزامات توان
۲۶۳	مبحث سوم: الزامات توان داخل در ارجاع و انجام قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۶۳	گفتار اول: الزامات توان داخل در ارجاع قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۶۸	گفتار دوم: الزامات توان داخل در انجام قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۶۸	بند اول: استخدام اتباع داخلی در قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۷۱	بند دوم: توان داخل در زنجیره تأمین قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۸۲	گفتار سوم: مطلق یا مقید بودن الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز و استثنائات آن
۲۸۸	گفتار چهارم: الزام به توسعه توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز
۲۸۸	بند اول: آموزش
۲۹۱	بند دوم: انتقال فناوری
۲۹۴	بند سوم: فعالیتهای تحقیق و توسعه

بند چهارم: ترتیبات مشارکت ۲۹۹

فصل دوم: نظارت قراردادی بر الزامات توان داخل و معیارهای کمی‌سازی آن در قراردادهای

بالادستی نفت و گاز ۳۰۱

مبحث اول: نظارت بر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز و ضمانت اجرای

عدم رعایت آن ۳۰۳

گفتار اول: نصات به الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۳۰۳

بند اول: مرجع عبارت بر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۳۰۴

بند دوم: شیوه نظارت بر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۳۰۵

گفتار دوم: ضمانت اجرای عدم رعایت الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ۳۰۸

بند اول: سازوکار جریمه ۳۰۸

بند دوم: خاتمه قرارداد ۳۱۲

مبحث دوم: معیارهای اندازه‌گیری و کمی‌سازی الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی

نفت و گاز ۳۱۵

گفتار اول: معیارهای قراردادی کمی‌سازی توان داخل در نیروی انسانی ۳۱۶

گفتار دوم: معیارهای قراردادی کمی‌سازی توان داخل در سرمایه تأمین ۳۱۷

نتیجه‌گیری ۳۲۵

منابع ۳۳۳

پیشگفتار

مقوله توان داخل و استفاده از ظرفیت‌های داخلی در صنایع مختلف، موضوع بسیار مهمی است که مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲، و نیز با نامگذاری سال‌های مختلف از قبیل «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی - سال ۱۳۹۱»، «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی - سال ۱۳۹۳»، «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل - سال ۱۳۹۵»، و «اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال - سال ۱۳۹۶» به نوعی اهمیت تکیه بر توان داخل را به دستگاه‌های اجرایی و اتحاد ملت پوشش می‌کنند. سال ۱۳۹۷ در حالی آغاز شد که رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۷ هجری شمسی، این سال را سال «حمایت از کالای ایرانی» نامگذاری کردند. مقام معظم رهبری در پیام آغازین سال ۱۳۹۷ اعلام داشتند:

اگر تولید ملی با دست و بیگیری همگانی شتاب بگیرد، بسیاری از مشکلات معیشتی مردم و مسائل اشتغال و سرانه‌گذاری حل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی کاهش زیادی خواهد یافت. بر همین اساس، نام و شعار امسال را «حمایت از کالای ایرانی» قرار داده‌ام.

معظم له همچنین در پیام آغازین سال ۱۳۹۸ فرمود که:

..... مظهر موضع‌گیری تقابل اقتصادی، عبارت است از [افزایش ابتکارات علمی و فنی، افزایش چشمگیر شرکتهای دانش‌بنیان، افزایش تولیدات زیربنایی و اساسی داخلی که از جمله همین چند روز قبل از این، افتتاح فارهای صنعتی از جنوب کشور و قبل از آن، افتتاح پالایشگاه بزرگ بندر عباس و از این قبیل کارهایی که انجام گرفته، بود. مسئله‌ی فوری کشور و مسئله‌ی جدی کشور و اولویت کشور و فعلاً مسئله‌ی اقتصاد است. سال ۹۷ را ما سال حمایت از کالای ایرانی اعلام کردیم. امسال مسئله‌ی تولید مطرح است. مسئله‌ی تولید به نظر من مسئله‌ی محوری امسال است. لذا من شعار را امسال این قرار دادم «رونق تولید».

با توجه به اهمیت اجرای طرح‌های صنعتی، به‌ویژه در صنعت نفت و گاز ایران به‌عنوان یکی از صنایع مادر و اصلی کشور، مطالعات و پژوهش انجام‌شده در این کتاب حول محور موضوع «الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از توان تولیدی و خدماتی ایران در پروژه‌های بخش بالادستی صنعت نفت و گاز» معطوف شده است. در این خصوص، تلاش شد تا نظر دست‌اندرکاران بحث توان داخل در طیف مختلف مخاطبان این الزامات، شامل انجمن سازندگان تجهیزات نفتی ایران، معاونت

ص □ الزامات قانونی - قراردادی استفاده حداکثری از ...

مهندسی وزارت نفت، سازمان برنامه و بودجه، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حسب موضوعات مطرح در کتاب حاضر در نظر گرفته شود. امید است تا دست‌اندرکاران صنعتی کشور، به‌ویژه صنعت نفت و گاز ایران و نیز سایر نهادهای ذی‌ربط با تقویت روح همکاری و همیاری خود با پژوهشگران دانشگاهی، زمینه بهره‌مندی از توانمندی‌های ایشان را در یافتن خلأهای موجود در صنعت جهت توسعه و شکوفایی هرچه بیشتر آن فراهم نمایند.

www.ketab.ir

مقدمه

الف) پیشینه بحث

صنعت نفت و گاز، به‌ویژه پروژه‌های بالادستی آن، نیازمند نیروی انسانی متخصص و زنجیره‌ای از تجهیزات و خدمات به‌علاوه دانش فنی و فناوری جدید برای بهره‌برداری بهینه از ذخایر است. تخصص‌محور بودن و فناوری‌محور بودن این صنعت باعث شده است که در ادوار زمانی مختلف، از آغاز تاکنون، بخش بالادستی صنعت نفت و گاز در استیلای شرکت‌های بین‌المللی نفتی یا شرکت‌های خدماتی صاحب‌فناوری باشد و شرکت‌های داخلی نتوانند تأثیر بسیار بر این مسئله داشته باشند. درواقع، در اغلب موارد، زنجیره تأمین ردنیف صنعت نفت و گاز به اشکال مختلف در خارج از مرزهای کشور میزبان آماده شده و نتیجه آن به‌کاربرد میزبان در قالب محصول یا خدمت نهایی عرضه می‌شود و شرکت‌های بین‌المللی نفتی بدون ایجاد بازمانده یا مراکز تحقیق و توسعه‌ای در قلمروی کشور میزبان، تنها محصول یا خدمت نهایی را در اختیار آن برار داده یا اگر شرکت‌های معظم نفتی درخصوص استفاده از توان داخلی اقداماتی انجام می‌دادند، این امر صرفاً در راستای مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی و توجیه حضور خود به‌عنوان عناصر خارجی در جوامع بومی برای ارتقاء وجهه ایشان صورت می‌پذیرفت.

کشورهای میزبان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، در بلندمدت به این رویکرد اعتراض کردند، چراکه درآمدهای ناشی از فعالیت‌های نفتی به‌طور عمده و در جهت تأمین نیروی انسانی متخصص، کالاها، تجهیزات و خدمات خارجی بدون ایجاد ارزش‌افزوده مورد نیاز کشور خارج می‌شد و این کشورها به «نفرین نفت»^۱ یا به اصطلاح اقتصادی «بیماری هلندی»^۲ گرفتار شدند. این وصف، پس از مطرح شدن موضوعاتی از قبیل حق حاکمیت دائمی کشورها بر کلیه منابع و ثروت طبیعی زمین، کشورهای برخوردار از ذخایر غنی نفتی با اتخاذ سیاست‌هایی درصدد حداکثرسازی^۳ و افزایش سهم خود از منافع عملیات نفتی با تغییر چهارچوب‌های قراردادی و درج شروط الزامات توان داخل، و نیز تدوین قوانین و مقررات مرتبط اقدام کردند تا از طریق به‌کارگیری خدمات نیروی انسانی، مواد اولیه، تجهیزات و کالاهای تولیدی در قلمرو سرزمینی دولت میزبان، ارزش‌افزوده‌ای مضاف بر درآمد ناشی از استخراج نفت در اقتصاد کشور ایجاد کنند. دغدغه استفاده از توان داخل، و نیز ارتقای توان نیروی انسانی و فعالان زنجیره تأمین در صنعت نفت و گاز ایران نیز همواره وجود داشته و ردپای این دغدغه در برخی از وقایع مهم تاریخی،

1. Resources Curse
2. Dutch Disease
3. Maximization

از قبیل نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران و انقلاب اسلامی ایران، مشاهده می‌شود. درک ضرورت اتکا بر توان داخل در صنعت نفت و گاز، که عمده اقتصاد کشور بر پایه درآمدهای آن قرار داشته، قانونگذاران و سیاستمداران را بر آن داشت تا ترتیبات الزام به استفاده از توان داخل و توسعه آن را در قوانین و مقررات کشور، و نیز قراردادهای منعقدۀ بالادستی نفت و گاز منعکس کنند.

یکی از سؤالات اساسی، که همواره ذهن تاملی افراد، اعم از مردم عادی و مسئولان، را به خود مشغول کرده، این است که چرا پس از گذشت بیش از یکصد سال از اکتشاف نفت و گاز در ایران، و نیز متعاقباً وقوع رویداد ملی شدن صنعت نفت و پیروزی انقلاب اسلامی و تحریم‌های متعدد، همچنان توان داخل در صنعت نفت به رشد و شکوفایی موردنظر (با رعایت چهار عامل اصلی پروژه یعنی زمان، قیمت، کمیت و کیفیت) نرسیده و وابستگی و نیاز کشور در شئون مختلف به فناوری و مدیریت تخصصی شرکت‌های بین‌المللی، حتی جهت اجرای عملیات نفتی ایمن و مقرون‌به‌صرفه، باقی است؟ پاسخ دقیق به این سؤال ساده نیست و مستلزم یک نگاه جامع فنی و مهندسی، فناوری، اقتصادی، مالی، مالیه، بازرگانی، قراردادی، محیطی و قانونی در جنبش بالادستی صنعت نفت و گاز است که در کتاب حاضر، این موضوع با تأکید بر دو جنبه قانونی و قراردادی بررسی خواهد شد.

از نظر قانونی، یکی از مهم‌ترین اقدامات، این خصوص را می‌توان «قانون ملی شدن صنعت نفت ایران» دانست که پس از آن، قانونگذار در قوانین و مقررات مختلف (بعضاً قوانین و مقررات خاص صنعت نفت و گاز و در برخی موارد، مقررات عام مربوط به کلیه صنایع) به ترتیبات مختلف استفاده از توان داخل و نحوه پیاده‌سازی و اجرایی کردن این الزامات اشاره کرده است. در این راستا، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم»^۱ مصوب ۱۳۹۱، از آثار نامۀ اجرایی آن به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی در خصوص الزامات داخل بوده که در کنار سایر قوانین و مقررات، موضوع اصلی بررسی کتاب حاضر است.

از نظر قراردادی، الزامات مقرر در قوانین و مقررات با جزئیات بیشتر در قراردادهای منعقدۀ فیما بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های نفتی بین‌المللی/ شرکت ایرانی به‌عنوان پیمانکار اصلی منعکس شده است. در این راستا، قرارداد بایع متقابل مدل ۲۰۰۸ و ضمیمه آن با نام «حداکثر استفاده از توان ایرانی»^۲ به‌عنوان یکی از نوآوری‌های نسخه اخیر در دوره حاکمیت قانون حداکثر پیشین و

۱. این قانون، اصلاح «قانون حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات» مصوب ۱۳۷۵ بوده که در کتاب حاضر به‌ترتیب با عنوان «قانون حداکثر فعلی» و «قانون حداکثر پیشین» به آن اشاره قرار خواهد شد.

آیین‌نامه‌های اجرایی آن بوده است. درحالی‌که در قراردادهای جدید نفتی ایران موسوم به IPC، شروط قراردادی و ضمیمه مربوطه با عنوان «حداکثرسازی توان داخل و برنامه انتقال فناوری^۱»، تحت حاکمیت الزامات مقرر در قانون جدید قرار دارد که به نوعی می‌توان گفت محمل اجرایی قانون حداکثر استفاده از توان فعلی در صنعت بالادستی نفت و گاز ایران، در قراردادهای جدید نفتی ایران بروز و ظهور عملی خواهد یافت؛ اگرچه سایر ترتیبات قراردادی، از قبیل بیع متقابل و قراردادهای مهندسی، تدارکات، ساخت و غیره، همچنان به قوت خود باقی است.

نظر به اینکه امروزه موضوع حداکثر استفاده از توان داخلی در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز، یکی از موضوعات چالشی مذاکره و انعقاد قراردادهای بین‌المللی بالادستی نفتی است، این کتاب درصدد پاسخ به این سؤال است که چه الزامات قانونی یا قراردادی برای طرفین درخصوص اصل درج این بند در قرارداد یا الزام به استفاده از توان داخلی در اجرای قراردادهای مزبور وجود دارد.

این موضوع از آن جهت بااهمیت است که الزامات استفاده از توان داخلی همواره در قوانین، مقررات و شروط قراردادی مدنظر بوده، ولی با این حال کارایی لازم را نداشته است. اهمیت توان داخل و اتکا بر آن در حوزه نفت و گاز با عنوان اصلی‌ترین صنعت کشور، و نیز بروز تحریم‌ها و تجربه اختلال در فعالیت‌های این صنعت، ضرورت بررسی این موضوع و شناسایی خلأها و نواقص موجود در قوانین، مقررات و شروط قراردادی موجود را ایجاب می‌کند.

برای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح‌شده در این اثر تألیفی، علاوه بر قوانین، مقررات و شروط قراردادهای ایران، به تجارب سایر کشورهای برخوردار از ذخایر نفت و گاز هم، که در استفاده و توسعه توان داخل موفق بوده‌اند، توجه شده است که از جمله آن‌ها کشور نروژ، برزیل و نیجریه را به لحاظ شهرت آنها در تدوین و به کارگیری سیاست‌ها و الزامات توان داخل انتخاب و حسب مورد الزامات قانونی و قراردادی آنها بررسی می‌شود.

ب) ضرورت بحث و اهداف آن

از یک طرف، علی‌رغم گذشت بیش از یک سده از اکتشاف میادین نفت و گاز در ایران، توان کشور در دسترسی به تجهیزات استخراج و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی، و نیز نیروهای انسانی متخصص در این زمینه (با رعایت چهار عامل اصلی پروژه یعنی قیمت، کمیت، کیفیت و زمان) به رشد و شکوفایی موردنظر نرسیده و همچنان نیازهای اساسی صنعت از خارج تأمین می‌شود. از طرف دیگر، با شرایط سیاسی موجود و تحمیل تحریم‌های بین‌المللی و خروج برخی از شرکت‌های بین‌المللی نفتی با دستاویز قرار دادن تحریم و متعاقباً تعلیق اجرای قراردادهای خاتمه آنها، ضرورت خودتکایی و خودکفایی در این

مقوله را بیش از پیش ایجاب می‌کند. در عین حال، رویکرد جدید قراردادهای نفتی ایران در الزام به مشارکت شرکت‌های بین‌المللی نفتی با شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید، و نیز استفاده از توان تأمین‌کنندگان ایرانی در زنجیره تأمین عملیات نفتی، باعث می‌شود تا پرداختن به جنبه‌های مختلف بحث تقویت توان داخل امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر شود. این مسئله در حالی است که قوانین و مقررات مربوط به استفاده از توان داخل در موضوعات مختلف، به‌ویژه بحث نظارت و کمی‌سازی انواع این الزامات، به‌طور جدی با ابهام و خلأ روبه‌رو است.

با توجه به دوریات فوق، هدف کلی کتاب حاضر آن است تا با بررسی الزامات استفاده از توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، خلأهای قانونی و قراردادی موجود را شناسایی و با بررسی تطبیقی برخی از کشورهای پیشرو در پیاده‌سازی و ارتقای توان داخل، حسب موضوع و با لحاظ شرایط موجود، پیشنهادهایی برای رفع این خلأها ارائه کند. در این راستا، می‌توان اهداف اختصاصی کتاب حاضر را به شرح زیر مطرح کرد:

- بررسی انواع الزامات استفاده از توان داخل و توسعه آن در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز؛
- نظارت و نحوه اعمال آن در قوانین، مقررات و قراردادهای بالادستی نفت و گاز؛
- نحوه کمی‌سازی و اندازه‌گیری الزامات استفاده و توسعه توان داخل در قوانین، مقررات و قراردادهای بالادستی نفت و گاز؛
- ضمانت اجرای تخلف از الزامات قانونی و قراردادی مرتبط با توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز.

ج) استفاده‌کنندگان از یافته‌های کتاب

بحث‌هایی که حسب موضوعات در کتاب حاضر مطرح شده، و بر یافته‌های آن برای استفاده مخاطبان زیر راهگشا خواهد بود:

۱) قانونگذار: با توجه به اینکه کتاب حاضر با رویکرد تطبیقی، قوانین و مقررات کشورهای پیشرو در زمینه استفاده از توان داخل را بررسی کرده است، از این رو دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن (به‌عنوان یکی از متولیان ارائه‌دهنده نقایص قوانین و مقررات مربوط به توان داخل) و کمیسیون‌های مختلف مجلس (ازجمله کمیسیون صنایع و معادن یا انرژی) می‌توانند از نتایج این کتاب در جهت اصلاح قوانین و مقررات حاضر و رفع خلأهای آن استفاده کنند.

۲) تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قراردادی و مذاکره‌کنندگان آن: از آنجا که کتاب حاضر، با رویکرد تطبیقی، شروط قراردادی مربوط به توان داخل را در نمونه قرارداد بیع متقابل ۲۰۰۸ و قراردادهای جدید نفتی ایران ۲۰۱۷، تجزیه و تحلیل کرده است، ایرادات وارده به‌همراه پیشنهادهای

مطرح شده در این کتاب جهت به روز سازی و اصلاح شروط قراردادی می تواند برای تهیه کنندگان پیش نویس قراردادی، و نیز مذاکره کنندگان این قراردادها مفید باشد.

(۳) دستگاه های اجرایی: با توجه به اینکه بسیاری از مدیران و کارمندان مجموعه های دستگاه اجرایی (در موضوع کتاب حاضر شرکت ملی نفت ایران) با ابعاد مختلف قانون حداکثر استفاده از توان داخل و مفاد آن آشنایی کامل ندارند، مطالعه کتاب حاضر در جهت ایجاد آگاهی و شفافیت در عملکرد ایشان مفید خواهد بود.

(۴) فعالان داخلی در زنجیره تأمین کالا و خدمات: این مخاطبان با آگاهی از حقوق قانونی خود می توانند تأثیر بسیاری در الزام دستگاه های اجرایی برای تمکین به قوانین و مقررات داشته باشند و از رانت اطلاعاتی برخی از شرکت های وابسته جلوگیری کنند. در عین حال، فرصتی برای آشنایی با روش های ارتقای توانمندی آنها جهت بهبود فضای رقابت در داخل کشور خواهد بود.

(۵) جامعه دانشگاهی: کتاب حاضر به عنوان نخستین کتاب در رشته حقوق در خصوص الزامات استفاده، و نیز توسعه توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز، درصدد است ضمن بررسی موضوعات و مسائل متعدد با طرح سؤالات جدید و پاسخ به آن در این کتاب، باب تحقیق و پژوهش را برای دست اندرکاران صنعتی، به ویژه صنعت نفت و گاز، و همچنین محققان دانشگاهی فراهم آورد.

د) ساختار مطالب کتاب

با لحاظ حجم مطالب و نظم منطقی موضوعات و ارتباط آنها با یکدیگر، کتاب حاضر در سه بخش تنظیم و هر بخش نیز به دو فصل تقسیم شده است.

پیش از بررسی تفصیلی قوانین، مقررات و شروط قراردادی مرتبط با الزامات توان داخل، ضروری است با توجه به موضوع کتاب و سؤالات مطرح شده، کلیاتی در خصوص وضع توان داخل ارائه شود. در این راستا، بخش اول کتاب حاضر، به دو فصل تقسیم بندی شده است. در فصل نخست، ابتدا با ارائه تعاریف مرتبط با عناصر تشکیل دهنده توان داخل، حدود و ثغور مفاهیم بارگرفته شده در متن کتاب مشخص می شود. در ادامه، مهم ترین اهداف ایجاد الزامات توان داخل، و نیز مبانی نظری و نظریه های مختلف در خصوص این الزامات بررسی خواهد شد. پس از بررسی اهداف و مبانی نظری، ساختار الزامات توان داخل شامل سه موضوع اشکال الزامات توان داخل، قالب های موجود در راستای اعمال این الزامات و روش های توسعه الزامات توان داخل نیز حسب مورد تبیین می شود. فصل دوم از بخش نخست کتاب حاضر درصدد است تا مسائل پیش روی الزامات و سیاست های توان داخل را در بعد بین المللی و داخلی بررسی کند و در این راستا، جایگاه این الزامات در اسناد بین المللی مرتبط با سرمایه گذاری خارجی را تجزیه و تحلیل و رویکرد این اسناد نسبت به الزامات مقرر را ارزیابی کند. از بعد داخلی نیز، با استفاده از

نظریه «تفصل»^۱ تلاش می‌شود تا موانع و چالش‌های ارتقای توان و ظرفیت‌های داخل با یک رویکرد کلی و همه‌جانبه‌نگر تبیین شود.

پس از بررسی کلیات الزامات توان داخل در بخش اول کتاب، باید به‌طور جزئی و تفصیلی این الزامات را در متن قوانین و مقررات مرتبط با صنعت نفت و گاز، و نیز شروط قراردادهای بالادستی نفت و گاز موشکافی کرد. بخش دوم کتاب درصدد آن است که جنبه‌های قانونی این الزامات با تأکید بر قوانین و مقررات ایران تبیین شود. در این راستا، بخش دوم با لحاظ ارتباط مفهومی موضوعات و تعادل مطالب در دو فصل تنظیم شده است. فصل اول تحت عنوان «سیر الزامات توان داخل در قوانین و مقررات ایران، عناط ان الزامات قانونی و انواع آن» در تلاش است تا در ابتدا، با بررسی قوانین و مقررات ایران در گذر زمان، دید روشنی به خواننده در خصوص قوانین و مقررات موجود در این زمینه ارائه کند. پس از آن ضروری است تا معادبان این الزامات با هر ماهیتی، خواه خصوصی، خواه عمومی، شناسایی شوند تا بتوان متعاقباً الزامات توان داخل را بر ایشان تحمیل کرد. پس از تعیین مخاطبان این الزامات، مبحثی برای شناخت خود الزامات ماهیت آنها اختصاص داده شده تا بتوان برپایه این شناسایی، سایر موضوعات مرتبط، از قبیل بحث نظارت و کنتر سازی، را مطرح کرد. فصل دوم از بخش دوم تلاش دارد تا براساس یافته‌های فصل پیشین، دو موضوع بسیار مهم و چالش‌برانگیز در مباحث مربوط به الزامات توان داخل را مطرح کند. موضوع نخست بحث نظارت مقام ناظر و چگونگی انجام آن بوده که با توجه به خلأهای موجود، مباحثی را به‌خود اختصاص داده است. چنانچه مقام ناظر، بر وقوع تخلف از جانب مخاطبان الزامات وقوف یافت، ضمانت اجرای مترتب بر این تخلف نیز موضوعی است که باید در همین قسمت بررسی شود، اما آنچه که در بحث نظارت بسیار حائز اهمیت است، شیوه‌های اندازه‌گیری و کمی‌سازی الزامات توان داخل برحسب ماهیت متغیر آنها است تا مقام ناظر با توسل به این روش‌ها، میزان انحراف از نصاب‌های مقرر را به‌درستی بسنجد و ارزیابی کند.

پس از بررسی جنبه‌های قانونی الزامات توان داخل در بخش دوم کتاب حاضر، که به‌نوعی تبیین‌کننده اصول و چهارچوب اجرایی جهت تنظیم شروط قراردادهای بالادستی نفت و گاز است، در بخش سوم از کتاب باید به‌طور جزئی و تفصیلی این الزامات را در متن قراردادهای بالادستی نفت و گاز موشکافی کرد. در این بخش، جنبه‌های قراردادی این الزامات با تأکید بر قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران، و نیز حسب مورد قراردادهای نفتی نروژ، برزیل و نیجریه تبیین می‌شود. در این راستا، بخش سوم نیز با لحاظ ارتباط مفهومی موضوعات و تعادل مطالب در دو فصل تنظیم شده است. فصل اول

۱. نظریه «تفصل» متشکل از عناصر نه‌گانه فنی، تکنولوژیک، اقتصادی، مالی، مالیه، بازرگانی، قراردادی، محیطی و قانونی است که توسط دکتر سید نصراله ابراهیمی مطرح شده است. برای مطالعه بیشتر هریک از این عناصر به پایگاه اینترنتی www.telfcel.com مراجعه شود.

تحت عنوان «سیر الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران، مخاطبان الزامات قراردادی و انواع آن» در تلاش است تا در ابتدا، با بررسی شروط مربوط به الزامات توان داخل در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران در گذر زمان، به نوعی رویکرد قراردادی و پیشرفت تدریجی این شروط را در دوره‌های مختلف و قراردادهای مختلف امتیازی، مشارکت در تولید و خدماتی مشخص کند. پس از آن، ضروری است تا مخاطبان این الزامات شناسایی شوند تا بتوان متعاقباً الزامات توان داخل را بر ایشان تحمیل کرد. با توجه به اینکه، در بحث قراردادهای معمولاً موضوع توان داخل در بازه زمانی پس از انعقاد قرارداد، یعنی انجام کار، مطرح می‌شود، قسمت عمده این مبحث به بررسی انواع الزامات توان داخل در مرحله انجام قرارداد اختصاص یافته است، اما مشارکت بین شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی، شرکت‌های بین‌المللی خارجی، و نیز معیار توان داخل در اعلام برنده مناقصه در ارجاع قراردادهای بالادستی نفت و گاز نیز از مباحث مهم است که حسب مورد اشاره خواهد شد. فصل دوم این بخش به تبعیت از بخش دوم کتاب تلاش دارد تا براساس یافته‌های فصل پیشین، دو موضوع بسیار مهم در مباحث مربوط به الزامات توان داخل را مطرح کند. موضوع نخست بحث نظارت، مقام ناظر و شیوه نظارت، و نیز ضمانت اجرای تخلف از الزامات توان داخل بوده که برخلاف قوانین و مقررات، مباحث آن در قراردادهای شفاف‌تر است. موضوع دوم، شیوه‌های اندازه‌گیری و کمی‌سازی الزامات توان داخل بر حسب ماهیت متغیر آنها در قراردادهای داده شده که حسب مورد بررسی خواهد شد.

ه) محدوده موضوعات کتاب

با توجه به ابعاد وسیع بحث مربوط به الزامات توان داخل، روزی است تا حدود و ثغور بررسی‌های موردنظر کتاب حاضر تبیین شود:

- با توجه به ابعاد فنی، تکنولوژیک، اقتصادی، مالی، بازرگانی، سیاسی، محیطی، قراردادی و قانونی الزامات توان داخل، تمرکز اصلی کتاب حاضر بر مباحث قراردادی و قانونی بین الزامات قرار داشته و سایر جوانب حسب موضوع و اهمیت آن، بررسی خواهد شد.
- کتاب حاضر صرفاً در ارتباط با پروژه‌های بالادستی نفت و گاز مطابق تشریفات ارائه شده در فصل اول از بخش اول کتاب حاضر بوده و بحث توان داخل در بخش پایین‌دستی از حوزه شمول آن خارج است.
- منظور از قانون در عنوان کتاب حاضر، معنای عام آن بوده و منحصر به مصوبات مجلس شورای اسلامی نیست؛ بنابراین مقررات و مصوبات مرتبط از قبیل آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها نیز حسب موضوع مربوطه بررسی خواهد شد.

- در حال حاضر، مطابق ماده (۲۳) «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مالیات‌های مستقیم» مصوب ۱۳۹۱/۵/۱، قانون حداکثر استفاده از توان پیشین و آیین‌نامه‌های اجرایی آن به‌طور صریح نسخ گردیده است. به هر حال، به‌دلیل اینکه قراردادهای بیع متقابل، موضوع بررسی کتاب حاضر، در زمان حاکمیت قانون منسوخ منعقد شده، بررسی مقررات این قانون در کنار قانون جدید اجتناب‌ناپذیر است.

- قراردادهای مشمول بررسی کتاب حاضر عبارت‌اند از قرارداد بیع متقابل مدل ۲۰۰۸ و قراردادهای جدید نفتی ایران و ویرایش ۲۰۱۷ که به‌نوعی در طبقه‌بندی قراردادهای خدماتی خطرپذیر قرار داشته و پرداخت هزینه‌های پیمانکار و پرداخت دستمزد و حق‌الزحمه وی منوط به میزان موفقیت در فعالیت نفتی می‌شود؛ بنابراین قراردادهایی که حسب نیازها و ضرورت‌های عملیاتی توسط شرکت ملی نفت ایران برای آکساف، نگهداشت تولید یا دیگر عملیات نفتی، که به توسعه میدان‌ها، مخزن‌ها یا افزایش بازیافت در مخازن با شرکت‌های خدمات نفتی OSC (مانند شرکت‌های حفاری) و یا پیمانکاران ساخت و نصب (FPC/F&C) و دیگر عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات موردنیاز منعقد می‌شود، از موضوع بررسی کتاب خارج است.

- به‌لحاظ اهمیت قرارداد شماره ۳۰۵ منعقد فی‌مابین شرکت ملی نفت ایران با کنسرسیوم توباجک اس‌ای و شرکت صنعت فولاد البایزی، افعال درخصوص ساخت لوله‌های CRA^۱ در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳ به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه ساخت داخل در پسابرجام^۲ مفاد این قرارداد نیز بررسی خواهد شد.^۳

۱. فناوری تولید این نوع لوله در انحصار چهار شرکت معتبر دنیاست، اما به‌دلیل محدود بودن شرکت‌های صاحب فناوری در تولید رزوه‌های خاص (Premium) در جهان، شرکت توباجک (TUBACEX) اسپانیا با همکاری JFE ژاپن به‌عنوان یکی از شرکت‌های صاحب لیسانس رزوه‌های خاص، با امضای این قرارداد و در چهارچوب تعریف شده، متعهد به انتقال دانش فنی کالای موضوع قرارداد در طول سه سال به شریک ایرانی خود (شرکت فولاد اصفهان) گردید. بود (شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، «امضای قرارداد ساخت لوله‌های سی‌آر‌آی دستاوردهای بزرگ صنعت است»، کد خبر ۱۳۹۶/۳/۱۰) ۱۳۹۶/۳/۱۰.

www.shana.ir/fa/newsagency/7087

۲. قرارداد ساخت لوله‌های سی‌آر‌آی به ارزش تقریبی ۵۵۶ میلیون یورو میان شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی اسپانیایی - ایرانی امضا، و به این ترتیب ایران نخستین کشور تولیدکننده لوله‌های سی‌آر‌آی در منطقه شد. این کالا یکی از اقلام ۱۰ گروه خانواده کالاهای اساسی صنعت نفت است که قرارداد آن در مسیر اجرای طرح بومی‌سازی منعقد شده است و پنجاه و سومین قراردادی است که در قالب این طرح به‌امضا می‌رسد. لوله‌های سی‌آر‌آی (لوله مقاوم در برابر خوردگی)، که در انتقال گاز ترش میدان مشترک بارس جنوبی استفاده می‌شود، یکی از نقاط ضعف صنعت نفت در زمان تحریم‌ها بود. حال قرار است که طی سه سال از صفر تا ۱۰۰ این فناوری از شرکت اسپانیایی به شرکت فولاد اصفهان منتقل شود (خبر آنلاین، «امضای بزرگ‌ترین قرارداد ساخت کالای صنعت نفت در پسابرجام»، ۱۳۹۶/۳/۴).

www.khabaronline.ir/detail/669399/Economy/energy

۳. اهمیت این قرارداد به حدی است که وزیر نفت فعلی (آقای بیژن زنگنه)، در برنامه اعلامی خود در دولت جدید (مرداد ماه ۱۳۹۶)، ذیل شماره (۱۰) به آن اشاره کرده است:

- تمرکز اصلی کتاب حاضر بر الزامات مربوط به استفاده از توان داخل است و موضوع مربوط به بحث توسعه توان داخل و مصادیق آن، ازجمله آموزش، انتقال فناوری، فعالیتهای تحقیق و توسعه و ترتیبات مشارکت، حسب موضوع بهطور تبعی بررسی خواهد شد؛ بنابراین این اثر تلاش می‌کند که از ورود به جزئیات این موضوعات، خصوصاً در بحث راهکارها و شیوه‌های انتقال فناوری، اجتناب شود.

- از بعد بررسی تطبیقی، کشور نروژ^۱ به‌عنوان نمونه موفق در ارتقای توان داخل در صنعت نفت و گاز در این کتاب بررسی می‌شود. با این حال، با توجه به اینکه این کشور در طبقه‌بندی کشورهای توسعه‌یافته قرار داشته و به‌نوعی از نظر وضعیت فناوری و توسعه‌یافتگی با شرایط ایران همخوانی ندارد، بحث تطبیق این دو کشور تا حدی با مشکل روبه‌رو است. از این رو، دو کشور برزیل و نیجریه، که دارای اقتصادی در حال توسعه بوده و در عین حال در بحث توان داخل نیز متری عمل کرده‌اند، مبنای بهتری برای بررسی تطبیقی در موضوعات مختلف الزامات توان داخل خواهند بود. به هر حال، در برخی موضوعات موردنظر، کتاب حاضر، قوانین و مقررات و نمونه قراردادهای این کشورها ساکت

«مهم‌ترین اقدام صورت‌گرفته در مینا ساخت داخل در ۴ سال گذشته، عقد قرارداد خرید همراه با ۱۰۰ درصد ساخت داخل لوله‌های CRA، بین شرکت ملی نفت ایران با مشارکت یکی از معتبرترین شرکت‌های سازنده این لوله‌ها (شرکت Tubacex اسپانیایی) و شرکت فولاد اصفهان به مبلغ ۵۵۶ میلیون یورو بود. این قرارداد ضمن تأمین نیاز داخل، امکان صادرات این نوع از تجهیزات را برای ایران فراهم می‌کند. این اقدام در تاریخ صنعت نفت ایران، پس از اقدامی که در سال ۱۳۷۸ برای ساخت داخل توربین و کمپرسورهای موردنیاز صنعت گاز (در قالب تجمیع تقاضاهای خرید و سپس تشکیل شرکت توربین و کمپرسور نفت OTC صورت گرفت و موجب شد که در دوران تحریم‌ها تا حدود زیادی کشور از مشکلات تأمین توربین و کمپرسور مصون بماند)، بزرگ‌ترین گام برای خودکفایی در تأمین تجهیزات در این صنعت تلقی می‌شود».

۱. در ادبیات و آثار علمی موجود درباره تدوین سیاست‌های استفاده از توان داخل و آرای آنها، کشور نروژ ازجمله نمونه‌های موفق و مثال‌زدنی است که همواره به‌عنوان الگوی سایر کشورها معرفی می‌شود. با کشف میدان نفتی اکوفیسک در سال ۱۹۶۹، نروژ نیز در زمره کشورهای دارای منابع نفت و گاز قرار گرفت. در مراحل اولیه توسعه این میدان، علاوه بر صنعت پیشرفته نروژ، خصوصاً در زمینه کشتی‌سازی، این کشور هیچ‌گونه دسترسی به شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات نفتی، تجهیزات صنعت نفت، مراکز تحقیق و توسعه صنعت نفت و گاز نداشت و هیچ ارگان و نهاد ملی و داخلی برای مدیریت و اداره این ثروت فعلی نداشت. اکنون، پس از گذشت تقریبی ۵۰ سال، شرکت استات‌اویل به‌عنوان یکی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی پیشرو در عرصه نفت و گاز با تجارب ارزشمند در توسعه مناطق آفشور بوده و خدمات نفتی نروژ و تجهیزات آن بسیار پیشرفته و قابل‌رقابت در سطح دنیا به‌شمار می‌آید و سازمان‌ها و نهادهای نروژی، ازجمله صندوق ذخیره جهانی دولتی (Government Pension Fund Global)، الگویی برای مدیریت و اداره منابع در بسیاری از کشورها است. درواقع این کشور، در پیاده‌سازی الزامات توان داخل در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز یک استثنا محسوب می‌نشد. با این حال، ضرورتاً روش‌های این کشور قابل‌تقلید نیست، چراکه سایر شرایط موجود در آن، از قبیل دسترسی به نیروی انسانی متخصص، بازار رقابتی، ساختار سازمانی مناسب، سرریز توانمندی سایر صنایع به بخش نفت و گاز، افزایش قیمت نفت در آن زمان و نیز نبود فناوری‌های توسعه‌یافته در اکتشاف میادین آفشور همگی دست به دست هم داده تا این کشور به خودکفایی

بوده و معیاری به‌دست نمی‌دهند. در این وضعیت، در این کتاب حسب مورد به منابع موجود درخصوص سایر کشورها مراجعه شده است.

- گفتنی است که همانند ایران، بررسی سیر تاریخی و مراحل پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز سیاست‌های توان داخل در کشورهای موردبررسی کتاب نیز یک ضرورت است، اما با لحاظ حجم کتاب، امکان بررسی وجود ندارد؛ بنابراین به فراخور موضوع کتاب حاضر و با تأکید بر جنبه‌های قانونی و الزامات قراردادی، سیاست‌های کشورها در الزامات توان داخل ارزیابی خواهد شد.

و) اصطلاحات کتاب

در کتاب حاضر، اصطلاحات به‌کاررفته در مفهوم ارائه‌شده مندرج در فصل اول از بخش اول کتاب حاضر بوده که خوانندگان باید در مطالعه بخش‌های مختلف، محتوای این قسمت را همواره مدنظر قرار دهند. در این حال باید زیر نیز شایسته توجه است:

- در ادبیات و متون حقوقی، مفهومی و مدیریتی، اصطلاحاتی از قبیل «محتوای داخل»، «سهم داخل»، «ظرفیت داخل»، «ساخت داخل»، «توان ملی»، «توان محلی»، «تولید داخلی»، «بومی‌سازی»، «توسعه توانمندی» و مواردی از این دست، حسب مورد به‌کار گرفته شده است (یقظین و دیگران ۱۳۸۹، ۳). در کتاب حاضر، از میان اصطلاحات مذکور، از عبارت «توان داخل» به‌عنوان معادل مناسب استفاده شد، چراکه کلمه «توان» نسبت به کلمات «تولید» و «ساخت» عام‌تر بوده و مفهوم خدمات را نیز دربرمی‌گیرد و در عین حال، کلمه داخل در مفاهیم یا کلمه ملی یا محلی، صراحت بیشتری به قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران (و نه لزوماً تابایت ایران) دارد. ناگفته نماند که کلمات «توان» و «داخل» عیناً در متن قوانین و مقررات مربوطه جهت اشاره به همین مضمون به‌کار گرفته شده است.

- در ادبیات انگلیسی نیز از این مفهوم تحت عنوان «Local Content Policy (LCP)»، «Local Content Requirements (LCR)»، «Local Content Rules (LCR)»، «Local Content Policy» و «Domestic Content» یاد می‌شود که همگی به یک مفهوم اشاره دارند. در این کتاب با تدقیق در عنوان به‌کاررفته در ادبیات انگلیسی، و نیز ارتباط معنایی متناسب با موضوع کتاب حاضر، واژه «الزامات» برای اشاره به توان داخل در مباحث قانونی و قراردادی انتخاب شده است، نخست آنکه این کلمه به یکی از اوصاف حقوق (قوانین، مقررات و قراردادهای) اشاره دارد که همان بحث الزامی بودن حقوق است. درواقع، برای اینکه حقوق بتواند به هدف نهایی خود برسد، باید رعایت قواعد آن اجباری باشد (کاتوزیان ۱۳۸۵، ۵۴). دوم، کلمه الزامات واژه‌ای عام است که می‌توان آن را برای اشاره به دو مفهوم استفاده از توان و توسعه توان به‌کار برد.

- با توجه به توضیحات فوق درخصوص مفهوم «الزامات» و «توان داخل»، در این اثر تألیفی اصطلاح «الزامات توان داخل» به منظور اشاره به مفاهیم «الزامات قانونی توان داخل»، «الزامات قراردادی توان داخل»، «الزامات استفاده از توان داخل» و «الزامات توسعه توان داخل» به کار گرفته شده است که به نوعی در حالت اطلاق به کلیه این مفاهیم اشاره می‌شود. در غیر این صورت، حسب چهارچوب متنی، هر یک از این اصطلاحات با قید «قانونی»، «قراردادی»، «استفاده» یا «توسعه» از یکدیگر تفکیک می‌شود.

- در پروژه‌های نفتی بالادستی، شرکت ملی نفت ایران به عنوان کارفرمای اصلی، پروژه مربوطه را به پیمانکار اصلی/عمومی ارجاع می‌دهد. متعاقباً، پیمانکار اصلی نیز در یک سلسله مراتب قراردادی در نقش یک کارفرما، کارهای پروژه را حسب مورد از طریق پیمانکاری‌های فرعی به تأمین کنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات واگذار می‌نماید و ممکن است که این سلسله مراتب واگذاری و شکست کارها به پیمانکاران فرعی در چند دست صورت پذیرد. در کتاب حاضر، ارجاع پروژه بالادستی نفت و گاز از سوی شرکت ملی نفت ایران به پیمانکار اصلی تحت عنوان «ارجاع کار» به معنای اخذ مدنظر است، و واگذاری قراردادهای دست دوم از طرف پیمانکار اصلی به عنوان کارفرما به پیمانکاران فرعی و همین طور توسط این پیمانکاران به سایر پیمانکاران فرعی، در مفهوم «انجام کار» خواهد بود.

در خاتمه، نویسندگان بر خود لازم می‌دانند تا مراتب سپاس و قدردانی خود را از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و استادان و دانشمندان محترم رشته حقوق نفت و گاز این دانشکده به دلیل غنا بخشیدن به موضوعات مهم و اثرگذار حوزه حقوق و قراردادهای صنعت نفت و گاز به عمل آورد. سپاس ویژه نویسندگان این اثر به دفتر حقوقی دانشکده حقوق و همکاران تقدیم می‌شود که مؤلفان در مدت نگارش کتاب حاضر، از آرشیو قراردادی آن شانس قراردادهای نفتی، در بحث استفاده حداکثری از توان داخل، بسیار استفاده کردند.